

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
پنجم اپریل ۲۰۱۰
شهر اسن - المان

به پاسخ در انتظارش

ناظما! مهتر به دل جا، چون برادر میکنم

کی ترا، باسکه و اندر برابر میکنم

منصبت بس ارجمند و، موقت خیلی بلند

هرچه فرمائی، اطاعت کرده باور میکنم

مهربانتر از برادر، بوده و هستی همیشه

عزت را مثل کاکای کلانتر میکنم

زانکه هفده سال کوچک، سن بنده از شما

عذر خواهم، چون برادر شوخیها گر میکنم

آنقدر مهتر به دل دارم که نتوانم بیان

زان سبب، تو و شما گفته، جهان کر میکنم

بهرِ میلادِ (سلیمِ توییِ خمسی) ما
از مبارکبادی ات ، شکران ، مکرر میکنم
با پیامی ، شادکردی ، دل ، درین غربتسرا
بر تو استدعای شادیها ، ز داور میکنم
انتظاراتِ شبِ شش را ، ز سر بیرون نما
وجه آنرا ، مصرفِ راههای بهتر میکنم
بر یتیم و بیوه و معیوبِ جنگیِ وطن
خرجِ درمان و دوا و ، بهر داکتر میکنم
یا دوسه شمع و چراغی ، بهر علم و معرفت
کاغذ و رنگ و کتابش را میسر میکنم
یا به اعمارِ وطن خشت و سمنت و ریگ و گچ
کاهگل و تعمیرِ بام ، دیوار و ، از در میکنم
لقمه نانِ خشک بر لب ، پیرهن بر جانِ شان
گر توانم ، فخر بر این کارِ از در میکنم
بشکنم رسم و رواجِ کهنه و فرسوده را
انتخاب از تازه ها ، یک غنچه تر میکنم
تا ز عطرش ملتِ افغان ، به یک وحدت رسد
دشت و دامنِ وطن ، پر مشک و عنبر میکنم
نه سمرقند و بخارا و نه بلخ و بامیان
عالمِ انسان را ، یک مُلک و کشور میکنم
فرقِ دین و مذهب و جنس و نژاد و قوم را
ریشه کن با شعر ، نه با تیغ و خنجر میکنم
از سیاست ، دین را بی گفت و گو سازم جدا
بهرِ تعدیلِ معیشت ، عقل ، لشکر میکنم

با تحرّی حقیقت ، جست و جوی بهترین
باور و اندیشه را از اصل مظهر میکنم
ناظما ! اینست از « نعمت » شراب و هم کباب
نوشِ جانت گفته حاضر ، جام و ساغر میکنم